

فرہنگ رہنمائی درایتی

یاکوب بورگہارت / ترجمہ محمد حسن لطفی

فهرست

۹	□ یادداشت مترجم
۱۵	بخش اول دولت همچون اثر هنری
۱۷	مقدمه
۱۸	فصل اول ایتالیا در قرن چهاردهم میلادی
۲۲	فصل دوم فرمانروایان قرن چهاردهم
۲۹	فصل سوم فرمانروایان قرن پانزدهم
۴۱	فصل چهارم حاراران کوچک
۴۸	فصل پنجم خاندانهای شهرسازی بزرگ
۶۶	فصل ششم محالغان حارایت
۷۳	فصل هفتم دولتشهرهای جمهوری وین و فلورانس
۹۷	فصل هشتم سیاست خارجی دولتهای ایتالیایی
۱۰۵	فصل نهم جنگ همچون اثر هنری
۱۰۹	فصل دهم مقام پاپ و خطرهایی که ناآن پیوسته بود
۱۳۰	خاتمه بخش اول وطن پرستان ایتالیا
۱۳۳	بخش دوم شکوفایی شخصیت فردی
۱۳۵	فصل اول دولت ایتالیایی و شخصیت فردی
۱۴۰	فصل دوم تکامل شخصیت
۱۴۵	فصل سوم شهرت و افتخار در دوره رساس
۱۵۵	فصل چهارم طرز و استهرا و ندله مدرن

۳۶۴	فصل هفتم برابری زن و مرد
۳۶۸	فصل هشتم زندگی خابوادگی
۳۷۱	فصل نهم خشنها
۳۹۱	بحث ششم اخلاق و دین
۳۹۳	فصل اول داوری در اخلاق ایتالیاییان دوره رنسانس
۴۱۴	فصل دوم شخصیت فردی و اخلاق
۴۱۶	فصل سوم دین در زندگی روزانه
۴۳۷	فصل چهارم نیروی معتقدات کهن
۴۴۶	فصل پنجم روح رنسانس و دین
۴۶۲	فصل ششم نفوذ حرافات دوره رنسانس
۴۹۰	فصل هفتم شکاکتی و بی‌ایمانی عمومی

۴۹۹

□ نمایه

۱۶۹	بحث سوم احیای فرهنگ دوران رنسانس
۱۷۱	فصل اول مقدمه
۱۷۷	فصل دوم حرانه‌های رنسانس
۱۸۶	فصل سوم نویسندگان و شاعران دوران رنسانس
۱۹۵	فصل چهارم اومانیزم در قرن چهاردهم
۲۰۱	فصل پنجم دانشگاهها و مدارس
۲۰۶	فصل ششم مروحات فرهنگ دوران رنسانس
۲۱۸	فصل هفتم تقلید دوران رنسانس
۲۲۹	فصل هشتم رساله‌نویسی و تاریخ‌نگاری به زبان لاتینی
۲۳۵	فصل نهم فرهنگ دوران رنسانس به عنوان مسع عمومی
۲۴۱	فصل دهم شعر لاتینی جدید
۲۵۵	فصل یازدهم انحطاط اومانیزم در قرن شانزدهم
۲۶۷	بحث چهارم کشف جهان و انسان
۲۶۹	فصل اول سفرهای ایتالیاییان
۲۷۳	فصل دوم علوم طبیعی در ایتالیا
۲۸۱	فصل سوم کشف ریاضی طبیعت
۲۸۹	فصل چهارم کشف انسان
۳۰۹	فصل پنجم زندگی‌نامه‌نویسی در قرون وسطی و دوره رنسانس
۳۲۰	فصل ششم وصف خصوصیات اقوام و شهرها
۳۲۳	فصل هفتم وصف قیافه ظاهری انسان
۳۲۷	فصل هشتم وصف زندگی انسانی
۳۳۳	بحث پنجم زندگی اجتماعی و خشنها
۳۳۵	فصل اول برابری طبقات
۳۴۳	فصل دوم لباس و مُد
۳۴۹	فصل سوم زبان و زندگی اجتماعی
۳۵۴	فصل چهارم رسوم و آداب معاشرت
۳۵۸	فصل پنجم تربیت مرد درباری
۳۶۱	فصل ششم موسیقی

مقدمه

این نوشته در حقیقت کوششی بیش نیست، و بویسده آگاه است که با وسایل و توانایی ناکافی ناز و طیفه‌ای گران را به‌دوش گرفته است ولی اگر او به‌حاصل پژوهش خود با اعتماد بیشتر هم می‌توانست بگردد از تردیدش در قبول ارباب نظر کاسته نمی‌شد طرح کلی یک دوره فرهنگی به‌چشم هر نگرنده‌ای تصویری دیگر عرصه می‌کند و اگر آن طرح مربوط به دوره تمدنی باشد که به‌عنوان بردیکترین الگوی تمدن خود ما هور هم اثر می‌بخشد، احساس شخصی بویسده و خواننده در هر گام، چه در ارانه طرح و چه در داوری درباره آن، بی‌دحالت نمی‌تواند بود در دریای پهناوری که ایک پمودش را آعار می‌کیم راههای بسیاری را می‌توان در پیش گرفت و روی در جهات سسار می‌توان بهاد از این رو هر کسی حاصل بررسهائی را که برای تهه ایس طرح فراهم آمده است نه گوه‌ای دیگر می‌تواند نه کار برد و نه نتایجی دیگر می‌تواند دست یافت موضوع سحن به‌قدری مهم است که حای دارد آروو کسم در ساره‌اش بوشه‌های بسیاری به‌وجود آید و پژوهشگرانی که آن را از دندگاههای گوناگون می‌نگرند لب‌به‌سحن بگشایند فعلاً به‌همین قدر حرسد خواهیم شد که به‌آنچه می‌گوییم نا شکسائی گوش فرادهد و این نوشته را کلی واحد تلقی کند دشواری اصلی تاریخ فرهنگ در ایسحاست که چیس تاریخی ناچار است فرایند دهی و روحی بررگی را نه مقولاتی به‌ظاهر دلخواه تعسم کند تا سواند آن فرایند را به‌بحوی از احنا نارماید می‌حواستیم بررگترین حای حالی ایس کاب را نا نوشته حاصی درباره «هر رسانس» پر کیم؛ فقط حرنی کوچک از ایس آروو برآورده شده است^۱

۱ معصود معماری رسانس به‌فلم بورکهارت است که بخش اول حلد چهارم تاریخ معماری (منشرسده توسط Franz Kugler در سال ۱۸۶۷) را سکل می‌دهد - م

اسپهرا فرار دارد و هر گونه ادب و فرهنگ سالم در نطقه حقه می شود ولی آنجا که اس گراس شربنر از میان می رود یا به نحوی از اسحا تعدیل می شود، پدیده‌ای ناره و خاندان گام در ساحت تاریخ می بهد دولت به عنوان ادعای آگاهانه و محاسبه شده، و همحون اثری هیری چه در دولتشهرهای جمهوری و چه در شهرناربه‌ای اسسدادی، روح دولت به صور گوناگون محلی می گردد و شکل داخلی و سیاست خارجی آنها را معین می کند

ما در اینجا به بررسی کاملترین و نمایانترین نمونه آن روح در دولتهای استنادی بسده می کسم وضع داخلی حوامعی که تحت حکومت فرمانروان مستند قرار داشتند از روی سرمشق معروف دولت بورمانها^۱ در ایتالیا جنوبی و سسسل، ندانسان که امپرابور فردرنک دوم^۲ به آن شکل نحشید، سامان یافته بود اس مرد، که در همسانگی مسلمانان سواحل دریای مدیترانه و در میان حطر و حیانت نار آمده بود، از آغار جوانی به داوری حوسردانه و عاری از تعصب درناره امور حو گرفته و نحستین انسان مُدرن بر تحت نادشاهی بود علاوه بر اس، نادلتهای اسلامی و شوه اداره آنها، و حگ مرگ و زندگی ناپایها که هر دو طرف را محور می ساحت همه وسایل و سروهای حود را به مندان سرد ساورند، آشنایی بسیار نزدیک داشت همه اقدامات فردرنک (مخصوصاً از سال ۱۲۳۱ به بعد) فقط بدس منظور اسحا می گرفت که دولتهای ملوک الطوائفی را به کلی از میان بردارد و ملت را به توده‌ای بی اراده و بی سلاح و مالنا بنده مندل سارد او تمامی فوه قصابه و محر نه را به نحوی که ن آن رمان در ناحتررمس دنده نشده بود متمرکز ساحت هیح کس حو نداشت از طریق اسحا عمومی به مقامی دولتی منصوب شود؛ سرپچی از اس فرمان محازات و برای شهر و سرل دادن شهر و ندان به توده‌ای گوش به فرمان را به دسال داشت مالناها بر اساس دفاتر ثت منطم و فراگر و به روش معمول در کشورهای اسلامی وصول می شد در اینجا دنگر سحن از ملت در میان نمی توانست بود

۱ بورمانها فومی اسکاندناوی بودند که نارها به نفاط محللف اروپا نحاور و مهاجرت کرده و در اواخر قرن ناردهم میلادی در اسنلای جنوبی و سسسل دولی سکل داده بودند - م
۲ فردرنک دوم (۱۱۹۴ - ۱۲۵۰) وارث ناح و تحت دولت بورمانها در سال ۱۲۲۰ به مقام امپرابوری رسد - م

۱

ایتالیا در قرن چهاردهم میلادی

حگ میان پایها و شهریاران خاندان هوهن اشتاوفن^۱ وضعی سیاسی در ایتالیا به حود آورد که از چندس لحاظ نوضع بقیه نا احتراممین فرق داشت نظام تولداری در فراسه و اسپانیا و انگلستان به نحوی بود که پس از درگذشت تولدار، ملک موضوع تول صمصمه کشور پادشاهی می شد، و در آلمان لاقول به حفظ وحدت ظاهری امپراتوری یاری می کرد ولی در ایتالیا وضع به کلی از نوع دیگر بود امپراتوران قرن چهاردهم در بهترین حالت به عنوان فرمانروای تولداران بلکه همچون سروران و سروهای تقویتی قدرتهای موحود بلقی می شدند و تنها ندین عنوان مورد احترام بودند، در حالی که قدرت پایها، ن دست نشاندگان و پایگاههایشان، به انداره‌ای بود که می توانستند از پیدایی هر گونه وحدتی حلوگیری کند بی آنکه حود قادر به ایجاد وحدت باشد میان آن دو، واحدهایی سیاسی و حود داشتند به صورت دولتشهرهای جمهوری و دولتشهرهایی که دارای فرمانروایان مستند بودند، که بعضی از دیرنار موحود بودند و بعضی دیگر به تارگی پدید آمده بودند

در این واحدهای سیاسی روح دولت اروپایی مُدرن برای نحستین نار به آرادگی تمام از انگیره‌های حاص حود پیروی می کند حود حواهی افسارگسخته به مدهش ترین و حوه حکمفرماست، هر گونه حو در معرض

۱ Hohenstaufen، خاندان سهرناری المان و سسسل از حدود ۱۰۵۰ تا ۱۲۶۸ میلادی - م

بلکه در برابر امپراتور توده‌ای رعایا قرار داشتند که بدون احاره مخصوص حق نداشتند تا حارحیان اردواح کسد و نه هیچ‌وجه محار سودند در بیرون ار قلمرو امراتور تحصیل علم کسد دانشگاه ناپل بحسب دانشگاهی بود که آرادی تحصیل علم را ار مان برداشت و احار تحصیل موا- آموزشی خاصی را برقرار کرد در حالی که مردمان حاورر میں دست کم در اس مورد آزاد بودند فردر یک به‌شيوه دولتهای اسلامی معاملات ناررگانی با تمامی سواحل درینی مدیرانه را در دست خود متمرکز ساخته و دادوستد کالاهای بسیاری را در انحصار خود درآورده بود و بدین سان ار تحرک فعالیت ناررگانی رعایای خود حلوگری می‌کرد

حلفای فاطمی با تعالیم دینی سزای خود، بست به معتقدات دینی رعایای خویش (دست کم در آعار) تسامح می‌ورریدند ولی در دولت فردر یک تعیش عقائد بدعتگذاران در دین، حرء حدایی ناپدیر حکومت بود و احتمال داده می‌شود که مواد او از بدعتگذاران، آرادنحوهان شهرها بوده باشد افراد پلیس او در داخل کشور، و هسته اصلی سپاه او، ار مسلمانانی تشکیل می‌یافت که به‌لوسرنا^۱ و بوسرا^۲ مهاجرت کرده و در آن نقاط سکی گریده بودند نه ناله‌های مطلوبان در ایشان اثر داشت و نه تکفیر کلسا رعایا که نه کار بردن حگ‌افزار را فراموش کرده بودند پس ار درگذشت فردر یک سقوط پسر نامشروع او مانرد^۳ را به‌دست شارل دانژو^۴ سی‌هیج اراده و حرکتی تماشا کردند، و آنژو شیوه حکومت فردر یک را به‌ارث برد و ادامه داد

در حب امپراتور شفته تمرکز، فرمانروایی ناره به‌دوران رسده ار سوعی خاص، سر برداشت اتسلیو دا رومانو^۵ کشیش و داماد فردر یک این مرد مدع هیچ نوع حکومت یا نظام اداری بست چون فعالیتش فقط نه‌حگهایی برای

1 Luceria

2 Nocera

3 Manfred

۴ سارل دانژو برادر لوبی بهم ساه فرانسه بود و حون ساه حکومت مطفه ابرو را در فرانسه به‌ار داد لقب Charles d Anjou ناپ و مانرد پسر نامشروع فردر یک را مغلوب کرد و ساه نابل و سسل گردید - م

5 Ezzelino da Romano

دست‌انداری نه‌ایتالیای شمالی محصر است، و نا این همه ار لحاظ سرمشق بودن برای شهرناران آیسده کمتر ار حامیش فردر یک نیست همه کشورگشایی‌ها و فرمانروایی‌ها در قرون وسطی بر وراثت واقعی یا ادعایی یا حقوق مشانه متنی بودند و یا بر مبارزه نا بی‌دنان و مرتدان ولی در مورد حاصر کوشش برای سادگذاری دولتی پادساهی، ار راه قتل عام و سیرنگ و حنایت، یعنی ار طریق نه‌کار بردن همه وسایل ممکن فقط برای دسیبایی نه‌هدف، نه‌عمل می‌آید هیچ فرمانروای سعدی، حتی چراهه سورحنا^۱، در حون آشامی و سمگری نه‌پای اتسلیو برسیده است، ولی چنانکه گفتم او سرمشقی برای آیدگان گردند سقوط اتسلیو نه برای مردمان موحت بر فراری عدالت شد و نه عبرتی برای حنایکاران آسده

در چسب رمایی توماس قدس آکویبایی، رعیت مطیع فردر یک، سهوده طرح حکومت متنی بر قانون اساسی را نه‌میان آورد که نه‌موحت آن پادشاه نا پشتیبانی مجلسی اعلاکه افرادش را خود او معین می‌کند و مجلس شورا که اعضایش را مردم برمی‌گریسد، نه‌اداره امور کشور می‌پردازد صدای این‌گونه طرحها ار اتاقهای درس بیرون برفت فردر یک و اتسلیو همچنان برای انتالیا در مقام بررگرین پدیدارهای قرن سیردهم باقی مانده‌اند و تصویرهای افسانه‌آمزشان مهمترین محتوای صد داستان قدیم^۲ را که بی‌گمان در اس قرن بدید آمده‌اند، تشکیل می‌دهد نویسندگان داسانها اتسلیو را با احترامی آمخته نه‌ترس مصور ساحه‌اند، و پس از آن بیرون اسوهی از نوشته‌ها ار آثار وقایع‌نویسانی که او را نه‌چشم دیده‌اند، و تراژدهای اساطیری درناره او، بدید آمده‌اند

۱ Cesare Borgia، سرن نامشروع ناپ الکساندر شسم (در قرن پانزدهم) که ار بی‌رحمترین

و بی‌نگارترین مردان سیاسی انالدا بود - م

۲ صد داستان قدیم (Cento novelle antiche) مجموعه‌ای است ار صد داستان دینی و اخلاقی که طاهرا در قرن سیردهم ملادی گرد آورده سده است در کسات حاصر بازارها ار ان مجموعه سخن نه‌مان خواهد آمد فرسه ان مجموعه، صد داستان جدید (Cent nouvelles nouvelles) نه‌زبان فرانسه است که در قرن سیردهم نه‌بعقد از دکامرون ابر

بوکاحو بدید آمده است - م